

تحلیل قوانین ایران در حوزه کودکان و نوجوانان در پرتوی آموزه‌های جرم‌شناسی رشدمدار

مه‌ری برزگر^۱

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۷ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۰۵)

چکیده

جرم‌شناسی رشدمدار به بررسی تغییرات فرد در طی زندگی می‌پردازد که با توجه به اهمیت دوران کودکی و نوجوانی، یکی از مباحث مهم تحقیقاتی‌اش به این مرحله از زندگی اختصاص دارد. در این راستا، پیش از شروع به بزهکاری نقش عوامل خطری مانند عوامل خطر روان‌شناختی، خانوادگی، همتایان، مدرسه و نیز پیشگیری رشدمدار و بازتاب آنها در قوانین ایران قابل بررسی هستند. در مرحله پس از شروع به بزهکاری نیز شروع به بزهکاری، پایداری در بزهکاری و ترک آن و تحلیل بازتاب آنها در قوانین ایران اهمیت فراوانی دارند. در این راستا، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان بیشترین مواد مربوط به آموزه‌های جرم‌شناسی رشدمدار پیش از شروع به بزهکاری و توجه به عوامل خطر را به خود اختصاص داده است. آموزه‌های جرم‌شناسی رشدمدار پس از شروع به بزهکاری نیز در این قانون، ماده ۱۳۸ قانون مجازات اسلامی و مواد ۲۸۶ و ۲۹۸ قانون آیین دادرسی کیفری و نیز لایحه پلیس ویژه اطفال و نوجوانان مقرراتی پیش‌بینی شده‌اند. با وجود اهمیت جرم‌شناسی رشدمدار در دنیا، به نظر می‌رسد جای خالی تحقیقات طولی و رشدمدار در پژوهش‌های بومی ایرانی مشهود است.

واژگان کلیدی: پیشگیری رشدمدار، جرم‌شناسی جریان زندگی، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹.

جرم‌شناسی رشدمدار، با رویکردی آینده‌نگر^۱ و مدنظر قرار دادن مسیر زندگی فرد و مطالعات طولی^۲ و چگونگی تحول افراد در جریان زندگی، دورنمایی نوین در مطالعات جرم‌شناسی گشوده است. اهمیت این مطالعات به حدی بوده که هم‌اکنون بخش بزرگی از پژوهش‌های جرم‌شناسی به این حوزه اختصاص یافته‌اند.^۳

با توجه به اهمیت دوران کودکی در شکل‌گیری شخصیت، برخی از مهم‌ترین مفاهیم این شاخه از جرم‌شناسی به دوران کودکی اختصاص یافته‌اند که از جمله می‌توان به مواردی مانند عوامل خطر، پیشگیری رشدمدار، شروع به بزهکاری، پایداری در بزهکاری، ترک بزهکاری و مرتکبان محدود به نوجوانی اشاره کرد.

از سوی دیگر، پژوهش‌های فراوان در حوزه‌های روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی دریافته‌اند که پاسخ‌های رایج در زمینه بزهکاری، در مورد کودکان و نوجوانان کارساز نیستند و از این‌رو، در خصوص آنان باید نوعی سیاست جنایی افتراقی اتخاذ نمود. گرچه نخستین گام‌ها، با تصویب قانون تشکیل دادگاه اطفال در سال ۱۳۳۸ برداشته شد، این سیاست در سال ۱۳۷۳ با تصویب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، متزلزل و سپس در سال ۱۳۸۱ تا حدودی احیاء شد و در سال‌های اخیر و با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ (همراه اصلاحات ۱۳۹۴)، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹ و لایحه پلیس ویژه اطفال و نوجوانان که با توجه به ماده ۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری انتظار می‌رود به‌زودی به تصویب برسد، بار دیگر به‌طور جدی‌تر مطرح شده است.

با این حال، سیاست جنایی افتراقی در مقابل اطفال و نوجوانان، محدود به رسیدگی کیفری در دادگاه‌های تخصصی یا اختصاصی^۴ نمی‌شود و با توجه به اینکه «بزهکاری اطفال و نوجوانان، ناشی از بزه‌دیدگی آنهاست» در این خصوص نیاز به نظامی جامع برای پیش‌بینی کارآمدترین راهکارها برای توانمندسازی اطفال و نوجوانان در جریان زندگی‌شان احساس می‌شود.

گرچه شاید تدوین‌کنندگان قوانین حوزه کودکان و نوجوانان به‌طور خاص جرم‌شناسی رشدمدار را مدنظر قرار نداده باشند، وجود چنین دیدگاهی در بسیاری از قوانین این حوزه مشهود است.

با توجه به کاربردی بودن جرم‌شناسی رشدمدار، اخیراً پژوهش‌های بسیاری در این حوزه در کشورهای غربی راهبری شده‌اند. با این حال، سهم پژوهش‌های ایرانی به ترجمه و تحلیل یافته‌های پژوهش‌های غربی محدود

۱. مطالعات در تمامی حوزه‌ها یا گذشته‌نگر، پیش‌نگر (Retrospective) هستند و یا آینده‌نگر، پس‌انگَر (Prospective). در پژوهش‌های پیش‌نگر، محقق آنچه را در زمان انجام تحقیق موجود است برای بازبینی می‌آزماید. در حالی که در پژوهش‌های پس‌انگَر، لاقلاً برخی از عناصری که پژوهش‌گر جمع‌آوری یا بررسی می‌کند، در زمان تحقیق، موجود نیستند. در جرم‌شناسی رشدمدار، گرچه برخی اطلاعات اولیه آموذنی‌ها، با گذشته‌نگری به دست می‌آیند، رویکرد کلی بر آینده‌نگری است. برای اطلاعات بیشتر در این حوزه، ر.ک: Glen H. Elder, & Janet Z. Giele, (1998), *Methods of Life Course Research*, Thousands Oaks, USA, Sage, PP.98.107.

۲. Longitude Research: در این روش، هدف محقق درک و شناخت تغییرات در طول زمان است. این نوع پژوهش‌ها بسیار پرهزینه و زمان‌بر هستند. ولی نتایج معتبری خواهند داشت. برای مطالعه بیشتر در این حوزه، ر.ک: سیاوش خلیلی شورینی، (۱۳۸۹)، **روش‌های تحقیق در علوم انسانی**، چاپ هفتم، تهران، یادواره کتاب، صص ۸۱-۷۹.

۳. در اثبات اهمیت این مطالعات گفتنی است که جایزه استکهلم در جرم‌شناسی که از مشهورترین جوایز این رشته است، مدت‌هاست به پژوهشگران این حوزه تعلق می‌گیرد. در سال ۲۰۰۶ در یافت‌کنندگان آلفرد بلوم‌استاین و تری مافیت، در سال ۲۰۱۱ رابرت سمپسون و جان لوب و در ۲۰۱۳ دیوید پی فرینگتون و دانیل اس نگین بوده‌اند که همگی به تحقیق در این حوزه پرداخته‌اند. برای مطالعه بیشتر ر.ک: کریستوفر کارلسون و جرسی سارنکی، (۱۳۹۹)، **جرم‌شناسی جریان زندگی**، ترجمه مهری برزگر، تهران، شرکت سهامی انتشار، ص ۳۴.

۴. با توجه به ماده ۲۹۸ قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره آن، دادگاه اطفال و نوجوانان به عنوان شعبه‌ای تخصصی از دادگاه کیفری ۲ در نظر گرفته شده است و نه دادگاهی اختصاصی با صلاحیت ذاتی متفاوت.

شده است. در این راستا، محمد مهدوی در کتاب پیشگیری از جرم به تبیین نظری پیشگیری رشدمدار می‌پردازد، بدون اینکه اشاره‌ای به قوانین ایران داشته باشد. شادی عظیم‌زاده نیز در کتاب پایداری در بزهکاری، به تبیین جرم‌شناسانه این مفهوم و بررسی تطبیقی واکنش‌های ایران و آمریکا در برابر آن می‌پردازد. فرید محسنی نیز در مقاله دستاوردهای نظری عملی جرم‌شناسی رشدمدار به تبیین مفاهیم این حوزه می‌پردازد. افتراق مقاله پیش‌رو، با این پژوهش‌ها لااقل در دو نکته است: نخست، هیچ‌یک از این پژوهش‌ها به طور خاص به کودکان و نوجوانان اختصاص داده نشده‌اند؛ دوم، مقاله پیش‌رو با تأکید بر قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹ به تحلیل آموزه‌های جرم‌شناسی رشدمدار می‌پردازد که با توجه به تازگی این قانون، لااقل در زمان نگارش مقاله، هیچ تحقیقی در این خصوص انجام نشده است.

از این‌رو، مقاله پیش‌رو، با روش فراتحلیلی ضمن تبیین برخی از مهم‌ترین مفاهیم جرم‌شناسی رشدمدار و جریان زندگی^۱ در خصوص کودکان و نوجوانان به تحلیل قوانین مرتبط با آنها از این منظر می‌پردازد. در بند نخست، آموزه‌های جرم‌شناسی رشدمدار پیش از شروع به بزهکاری و بازتاب آنها در قوانین ایران، شامل عوامل خطر و پیشگیری رشدمدار بررسی خواهند شد و در بند دوم آموزه‌های جرم‌شناسی رشدمدار پس از شروع به بزهکاری و بازتاب آنها در قوانین ایران که شامل شروع به بزهکاری، پایداری در بزهکاری و ترک آن می‌شوند، بررسی خواهند شد و در نهایت به نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادهایی برای بهبود سیاست‌ها در این حوزه، خواهیم پرداخت.

۱- آموزه‌های جرم‌شناسی رشدمدار پیش از شروع به بزهکاری و بازتاب آنها در قوانین ایران

در یک تقسیم‌بندی صفر و یکی، می‌توان زندگی فرد را به پیش از شروع به بزهکاری و پس از آن تقسیم کرد. با توجه به اینکه عوامل خطر و عوامل حمایتی در این دو وهله از زندگی متفاوت هستند، مسلماً واکنش نسبت به آنها در قوانین و سیاست‌ها نیز باید متفاوت باشد. در مرحله پیش از شروع به بزهکاری، عوامل خطر اولیه، مانند عوامل روان‌شناختی، عوامل خانوادگی، عامل هم‌تایان و مدرسه از مهم‌ترین موارد هستند که گاه به‌عنوان عامل خطر و گاهی به‌عنوان عامل حمایتی مطرح می‌شوند. پس از شناسایی این عوامل، می‌توان راهکارهای پیشگیری رشدمدار را مدنظر قرار داد. از این‌رو، در این بند، ابتدا در بند اول به بررسی عوامل خطر و در بند دوم به پیشگیری رشدمدار خواهیم پرداخت.

۱-۱- عوامل خطر^۲

اصطلاح حالت خطرناک مفهومی ناآشنا برای حقوق‌دانان نیست و از زمان رافائل گاروفالو^۱ تشریح و به دو عنصر

۱. دو مفهوم جرم‌شناسی رشدمدار (Developmental Criminology) و جرم‌شناسی جریان زندگی (Life-course Criminology) بسیار شبیه یکدیگر هستند و در این مقاله گاه به‌عنوان مترادف به‌کار برده شده‌اند. با این حال، کانون توجه این دو متفاوت است؛ جرم‌شناسی جریان زندگی عمدتاً بر ساختارهای اجتماعی تمرکز می‌کند، در حالی که جرم‌شناسی رشدمدار بیشتر بر عوامل روان‌شناختی برای توجیه روند رشد، متکی است. برای مطالعه بیشتر در این مورد ر.ک:

L. Kazemian, & M. Le Blanc. (2004), Exploring patterns of perpetration of crime across the life course: Offense and offender-based viewpoints, *Journal of Contemporary Criminal Justice*, 20(4), 393-415.

۲. خطر در این نوشتار به‌عنوان ترجمه ریسک به‌کار برده شده است. با وجود این، برخی نویسندگان ترجیح داده‌اند این واژه را ترجمه نکرده و به همان صورت ریسک استفاده کنند. با این حال، نوشتار حاضر ترجیح داده است، واژه فارسی خطر را جایگزین ریسک کند. برای مطالعه بیشتر در مورد این اصطلاح ر.ک: امیر پاک‌نهاد، (۱۳۸۸)، *سیاست جنایی ریسک‌مدار*، چاپ اول، تهران، میزان، صص ۳۴-۲۸.

استعداد جنایی و عدم قابلیت انطباق با محیط اجتماعی تجزیه شده‌است.^۲ از دیرباز محققان دریافته‌اند که ممکن است برخی عوامل احتمال وقوع جرم از سوی فرد را افزایش دهند و این عوامل یا علت‌شناسی جنایی که در شخصیت بزهکار یا در وضعیت پیش از ارتکاب جرم و یا در محل برخورد این دو عنصر ریشه دارد (گسن، ۱۳۲۴، ص ۱۵۳) توجه آنان را به خود جلب کرده‌است.

با این حال، با پیشرفت علم و انجام تحقیقات گسترده از زمان مطرح شدن عوامل خطر، جرم‌شناسان هم‌اکنون تصور دقیق‌تری از عوامل خطر دارند. در تعریف عوامل خطر می‌توان گفت، عواملی معمولاً طبقه‌بندی شده^۳ یا خوشه‌بندی شده^۴ هستند که محقق را در تحلیل خطر یاری می‌دهند. ارزیابی خطر نیز روشی منطقی، منظم و جامع برای شناسایی مشکل و میزان عینیت احتمال آن است. (Mlaughlin & Munice, 2001, p. 4)

عوامل خطر به منظور پیش‌بینی جرم معمولاً در خوشه‌ها مطرح می‌شوند. یعنی مشکلات در یک حوزه زندگی، مانند خانواده، غالباً با مشکلات در قلمروهای دیگر مانند مدرسه همراه هستند. همچنین این عوامل معمولاً فزاینده‌اند. یعنی خطر بالاتر ارتکاب جرم زمانی به وجود می‌آید که مجموعه عوامل خطر حاضر باشند. بنابراین هر چقدر فرد در معرض عوامل خطر بیشتری باشد، خطر ارتکاب جرم بالاتر است (کارلسون و سارنکی، ۱۳۹۹، ۱۴۹). همچنین، با توجه به اولویت‌ها در دوره‌های متفاوت زندگی، عوامل خطر نیز در سنین مختلف، متفاوت هستند. به عنوان مثال، عامل همتایان که در سنین نوجوانی نقشی کلیدی دارد، با افزایش سن تأثیر خود را از دست می‌دهند.

تقسیم‌بندی‌های متفاوتی از عوامل خطر صورت گرفته است. برخی از متغیرهای کلاسیک مانند جنس، نژاد، طبقه اجتماعی، محله و ... وجود دارند که از نظر هیرشی در یک خصیصه مشترکند: نمی‌توان دانست چرا با بزهکاری مرتبط هستند (Hirschi, 1969, 65). در مباحث جرم‌شناسی رشدمدار، بیشتر کتاب‌ها عوامل خطر اولیه را به موارد ذیل تقسیم کرده‌اند: عوامل زیست‌شناختی، عوامل روان‌شناختی، عوامل خانوادگی، عامل همسالان، عامل مدرسه و عوامل اجتماعی.

گرچه در مباحث ذیل عوامل خطر، عوامل زیست‌شناختی نیز مطرح می‌شوند، در واقع، چیزی به نام «ژن مجرمانه»^۵ وجود ندارد. بنابراین در این نوشتار، تأثیر عوامل خطر زیست‌شناختی، با توجه به دلایل فراوان و از جمله عدم امکان سیاست‌گذاری و وضع قانون در این حوزه، به‌طور مجزاً بررسی نخواهند شد. عوامل اجتماعی نیز

1. Rafael Garofalo

۲. برای مطالعه بیشتر در مورد حالت خطرناک به مفهومی که گاروفالو مطرح کرد ر.ک: علی‌حسین نجفی ایراندآبادی، **تقریرات جرم‌شناسی (بازپرووری بزهکاران)**، نگارش از سلمان عمرانی، دوره دکترای دانشگاه تربیت مدرس، نیمسال نخست تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶، ص ۲۸ به بعد.

3. Classification: طبقه‌بندی

4. Clustering:

خوشه‌بندی که با طبقه‌بندی تفاوت دارد. طبقه‌بندی به تعدادی از دسته‌های معلوم مربوط می‌شود و هدف آن تخصیص مشاهدات جدید در یکی از این دسته‌هاست. در حالی که در خوشه‌بندی هیچ فرضی در مورد تعداد گروه‌ها در نظر گرفته نمی‌شود. برای مطالعه بیشتر در این مورد ر.ک: ریچارد آ. جانسون و دین دبلیو ویچرن، (۱۳۹۳)، تحلیل آماری چندمتغیری کاربردی، ترجمه حسینعلی نیرومند، مشهد، چاپ هفتم، دانشگاه فردوسی، ص ۶۸۵ به بعد.

۵. در برخی از کتب جرم‌شناسی از عنوان کروموزوم مجرمانه یاد شده است که منظور افرادی هستند که جفت بیست و سوم کروموزوم آنها XYY می‌باشد. هرچند شواهدی در مورد رفتارهای خشونت‌آمیز مردانی که دارای این ترکیب کروموزومی هستند، مشاهده شده است، تأثیر واقعی آن در ارتکاب جرم همچنان محل تردید است. برای مطالعه بیشتر در این مورد ر.ک: علی‌حسین نجفی توانا، (۱۳۸۱)، **جرم‌شناسی**، تهران، چاپ دوم، میزان، ص ۱۶۰ به بعد.

با این حال موضوع ژن مجرمانه چیزی بیشتر از کروموزوم مجرمانه و به معنای وجود ژنی در والدین فرد است که دال بر ارتکاب جرم بوده و به نسل‌های بعدی منتقل شود.

با توجه به لزوم تمرکز بر دو عامل اجتماعی مهم مدرسه و همپایان در خصوص کودکان و نوجوانان، ضمن همین مباحث بررسی خواهند شد و بر عوامل خطری که قابلیت بازتاب در سیاست‌ها و قوانین در حوزه کودکان و نوجوانان را دارند، تمرکز خواهد شد.

۱-۱-۱- عوامل روان‌شناختی

عوامل روانی، به عنوان یکی از پایگاه‌های تحلیل علل بزهکاری با پدیدار شدن مکتب اثباتی روانی و با الهام از نظریات زیگموند فروید و سپس کارل گوستاو یونگ وارد حوزه جرم‌شناسی شده و امروزه جایگاه خود را تثبیت کرده‌اند.

در حوزه جرم‌شناسی رشدمدار، تحقیقات بسیاری در خصوص نقش عوامل روانی بر بزهکاری انجام شده‌اند. یکی از تأثیرگذارترین این پژوهش‌ها، مطالعه کمبریج در گسترش بزهکاری است. فرینگتون^۱ نشان می‌دهد که اختلال بیش‌فعالی و کم‌توجهی به‌طور مستقل و کلی پیش‌بینی‌کننده ارتکاب جرم در آینده است. این اختلال به‌صورت مهارت‌های ضعیف تمرکز، بی‌قراری، جسور بودن، خطرپذیری و اختلال روان حرکتی تکانشی در فرد نمایان می‌شود. همچنین هوش پایین و نمره‌های کم در مدرسه، عدم توانایی یادگیری، اضطراب و پرخاشگری زودرس پیش‌بینی‌کننده‌های قوی آغاز ارتکاب جرم هستند (Aguilar-Carceles & Farrington, 2017, p. 1).

روان‌شناسانی مانند اندروز و بوتنا^۲ نیز طرفدار تحلیل روان‌شناسانه در جرم‌شناسی هستند. این دو استدلال می‌کنند که ساختارهای روان‌شناختی مانند ساختارهای شناختی، رفتاری و نظریه شخصیت نسبت به عوامل اجتماعی سنتی دارای پیوندهای قوی‌تری با ارتکاب جرم هستند.

البته برخی عوامل خطر روان‌شناختی ممکن است ریشه‌های زیست‌شناختی داشته باشند و بنابراین انتقادهای وارد بر تأکید بر عوامل زیست‌شناختی در اینجا نیز مطرح است. با توجه به اینکه عوامل خطر اولیه، پیش از شروع به بزهکاری یا لاقال شروع رسمی به بزهکاری مطرح می‌شوند، بدیهی است که سیاست‌گذاری‌ها در این زمینه، باید صرفاً بعد حمایتی داشته باشند.

با نگاهی به قوانین ایران در این حوزه، به نظر می‌رسد بسیاری از مواد قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، عوامل روانی را مدّ نظر قرار داده‌اند. نخست اینکه، بر اساس ماده ۳ این قانون، یکی از موارد مداخله، حمایت از طفل یا نوجوان در معرض آسیب جسمی بودن است که مصداق بارز آن را می‌توان در بند «د» این ماده نظاره‌گر بود که «کم‌توانی جسمی یا ذهنی طفل و نوجوان، ابتلای وی به بیماری‌های خاص یا اختلال هویت جنسی^۳» را پیش‌بینی کرده است.

اقداماتی که با تشخیص وجود عامل خطر روانی در کودک یا نوجوان ممکن است اتخاذ شوند، در برخی مواد بعدی آمده‌اند. به عنوان مثال، به‌موجب بند «ب» ماده ۵ تشکیل پرونده شخصیت و ارائه مشاوره^۴ برای اطفال و

1. Farrington

2. D.A. Andrews, and James. Bonta, (1994), *The Psychology of Criminal Conduct*, London, UK, Routledge.

۳. Gender Dysphoria: مطابق ویرایش ۵ راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی، عبارت است از عدم تطابق میان هویت جنسی و جنسیت فرد. برای مطالعه بیشتر در این خصوص ر.ک:

American Psychiatric Association, (2013), *DSM-5 Fact Sheets*, USA, Washington D.C.

در حقوق ایران، از مدت‌ها پیش حق تغییر جنسیت برای نوجوان یا بزرگسال مبتلا به این بیماری به رسمیت شناخته شده و بند ۱۸ ماده ۴ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱، دادگاه خانواده به عنوان دادگاه صالح برای رسیدگی به این دعوی معرفی می‌کند.

۴. در متن ماده معلوم نیست آیا ارائه مشاوره، محدود به مشاوره حقوقی است یا مشاوره روان‌شناسی را نیز دربرمی‌گیرد. با این حال، با توجه به رویکرد کلی قانون و اشاره فوری به پرونده شخصیت، به نظر می‌رسد شامل ارائه مشاوره روان‌شناسی نیز می‌شود.

نوجوانان در معرض خطر یا بزه‌دیده برعهده دفتر حمایت از اطفال و نوجوانان قضائیه گذاشته شده است. همچنین، وظایفی مانند شناسایی، پذیرش، حمایت، نگهداری و توانمندسازی اطفال و نوجوانان موضوع این قانون، برعهده سازمان بهزیستی کشور گذاشته شده است (بند «الف» ماده ۶).

برخی مواد دیگر این قانون نیز اشاراتی غیرمستقیم به اهمیت توجه به عامل خطر روانی دارند. به عنوان مثال، در ماده ۱۴ تسهیل خودکشی طفل یا نوجوان جرم‌انگاری شده است و به موجب بند «ب» همین ماده، در صورتی که اقدامات مرتکب، موجب فوت طفل و نوجوان نشود، ولی منجر به ورود آسیب جسمی یا روانی به وی شود، مجازات حبس درجه ۶ پیش‌بینی شده است. توضیح آنکه، خودکشی یا خودزنی کودک یا نوجوان، قرینه‌ای قوی بر وجود عوامل خطر روانی است که نه تنها باید چنین طفلی مورد اقدامات حمایتی قرار گیرد، بلکه مرتکبی که از وضعیت نابسامان روحی طفل سوءاستفاده می‌کند، مستحق کیفر است. ماده ۳۵ نیز تدابیر حمایتی جهت رفع خطر را مقرر کرده و بنابر تصریح ماده، این خطر ممکن است با توجه به سوابق و وضعیت روانی طفل سنجیده شود.

بدیهی است که در قوانین دیگر نیز، ردپای توجه به عوامل خطر روانی در طفل یا نوجوان مشهود است. به عنوان مثال، مطابق ماده ۲۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری (اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴)، علاوه بر موارد مذکور در ماده ۲۰۳ این قانون، در جرایم تعزیری درجه ۵ و ۶ نیز تشکیل پرونده شخصیت در مورد اطفال و نوجوانان الزامی است. گرچه این ماده، مربوط به مرحله پس از شروع بزهکاری است، با توجه به آن می‌توان به اهمیت عوامل خطر روانی، به عنوان یک عامل خطر ثانویه نیز پی برد.

۱-۱-۲- عوامل خانوادگی

خانواده، اولین محیطی است که فرد تجربه می‌کند و حساس‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین سال‌های عمر هر فردی در خانواده سپری می‌شود. بنابراین تأثیر این عامل از نظر جرم‌شناسان دور نمانده است و محققان بسیاری مانند ادوین ساترلند^۱، ژان پی‌ناتل^۲ و زوج گلوک‌ها^۳ به بررسی تأثیر خانواده در ارتکاب جرم در آینده پرداخته‌اند. بیشتر مطالعات طولی در مورد بزهکاری نشان می‌دهند که رفتارهای ضداجتماعی در دوران کودکی گسترش پیدا می‌کنند، در زمان بلوغ و بزرگسالی به فعالیت‌های مجرمانه و ضداجتماعی تبدیل شده و در سراسر طول زندگی فرد بازتاب می‌یابند (پیکوثر و جینگنز، ۱۳۹۴، ص ۱۳۶).

عوامل خانوادگی به خصوص در جرم‌شناسی رشدمدار برای درک مسیری که منجر به آغاز جرم می‌شود، بسیار مهم هستند. این عوامل، عنصر اصلی رشد فردی در خودکنترلی پایین، در تأثیر متقابل ژن - محیط در رشد پافشاری در جریان زندگی در طبقه‌بندی مافیت و در نظریه کنترل سمپسون و لاب هستند (کارلسون و سازنکی، پیشین، ص ۱۴۶). از نگاه هیرشی و گاتفردسون نیز سوءکارکرد خانواده بستر مناسبی برای پیدایش بزهکاری مزمن است (آشوری عظیم‌زاده، ۱۳۹۲، ص ۱۹۹).

آنچه در بررسی کارکردهای مختلف خانواده باید مورد توجه قرار گیرد، عملکرد خانواده به‌عنوان یک سیستم است. هریک از اعضای خانواده و تعامل با سایر اعضا، خود یک سیستم فرعی را تشکیل می‌دهد. بنابراین هرگونه تغییری در عملکرد هریک از اجزاء ممکن است بر حُسن کارکرد سایر اجزاء تأثیر بگذارد (مهدوی، ۱۳۹۱، صص ۱۸۸-۱۸۷).

در سطح جهان و در ایران، مطالعات بسیاری در مورد تأثیر خانواده‌های نابسامان در گرایش فرد به بزهکاری از جنبه‌های گوناگون صورت گرفته است. بسیاری از این مطالعات تنها بر یکی از عوامل نابسامانی خانواده مانند فقر، تعارض روابط میان والدین و رابطه آنان با کودک، ازهم‌پاشیدگی خانواده، نقص در کارکرد نظارتی، سوءرفتار و ... تمرکز کرده‌اند.^۱ = بدیهی است که تأثیر تمامی عوامل نابسامانی خانواده بر بزهکاری آینده فرزندان برابر نیست. با این حال، باید توجه داشت که خانواده در حین اینکه می‌تواند یک عامل خطر تلقی شود، یک عامل حمایتی بسیار قوی نیز هست. از این رو، با توجه به اینکه بسیاری از پژوهش‌ها تأثیر عوامل خطر خانوادگی را اثبات کرده‌اند، مطالعات جدید، بیشتر بر کنترل این عوامل و پیشگیری رشدمدار از جرم با تأکید بر عامل حمایتی قوی خانواده کرده‌اند. به طوری که برخی از این مطالعات نشان داده‌اند که در صورتی که عامل حمایتی خانواده قوی باشد، حتی قادر است عوامل خطر قدرتمند دیگر را نیز خنثی کند.

به‌عنوان مثال، می‌توان به برنامه استقلال خانواده^۲ اشاره کرد که در یکی از فقیرترین نواحی شهری در کوئینزلند استرالیا با هدف توانمندسازی خانواده و حمایت از خانواده در مقابل فقر و فلاکت اجرا شد. نتایج تحقیق حاکی از تأثیر مثبت برنامه بر روی حس اثربخشی والدین و حس حمایت کودک توسط والدین بودند و نشان دادند حمایت خانواده در مواجهه با فقر، در ارتقای پیامدهای مثبت برای کودکان نقش کلیدی دارد (فرانس و هامل، ۱۳۹۲، ص ۲۲۲).

اهمیت نهاد خانواده در نظام حقوقی ایران با توجه به اصل ۱۰ ق.ا. مشهود است و در بسیاری از قوانین فرودستی نیز این نهاد از منظرهای گوناگون مورد توجه قرار گرفته است.

در این خصوص، نخستین قانون، قانون حمایت از خانواده، مصوب ۱۳۹۱^۳ است که در آن، برخلاف آنچه از نام به ذهن متبادر می‌شود، بیشتر به مسائل حقوقی دعای خانوادگی پرداخته شده و تنها فصل پنجم به حضانت و نگهداری اطفال و نفقه اختصاص دارد. مطابق ماده ۴۵ این قانون، رعایت غبطه و مصلحت کودک و نوجوان^۴ در کلیه تصمیمات دادگاه‌ها و مقامات اجرایی الزامی دانسته شده است. فصل ششم نیز، موادی در خصوص تأمین مالی فرزندان مقرر کرده است.

قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مقررات جامع‌تری در توجه به خانواده به عنوان یک عامل خطر یا حمایتی دارد. در خصوص موارد مداخله و حمایت این قانون، بسیاری از موارد مقرر در ماده ۳، عوامل خانوادگی هستند؛ مانند بی‌سرپرستی و یا بی‌توجهی و سهل‌انگاری در انجام وظایف قانون و شرعی (بند «الف»)، ابتلای هریک از والدین یا سرپرستان قانون به انواع بیماری‌ها (بند «ب»)، زندانی شدن آنها (بند پ)، ابتلای آنان به اعتیادهای زیان‌آور یا قمار (بند ت)، قوادی یا دایر یا اداره کردن مراکز فساد و فحشا یا اشتهار به فساد (بند ث)، خشونت مستمر آنها یا سایر اعضای خانواده نسبت به یکدیگر (بند «ج») و طرد شدن طفل یا نوجوان از سوی خانواده (بند خ). تصریح به این موارد، به نقش مهم خانواده به عنوان یک عامل خطر اشاره دارد که در صورت وجود شرایط،

۱. برای مطالعه بیشتر در مورد پژوهش‌ها در مورد هریک از این عوامل ر.ک: همان، صص ۲۷۸-۱۸۴.

2. FIP: Family Independence Programme

۳. این قانون، نخستین بار در سال ۱۳۵۳ به تصویب رسید و گرچه به‌طور صریح نسخ نشده است، به نظر می‌رسد قصد قانونگذار با تصویب قانونی با همین عنوان، بر نسخ قانون پیشین هم‌نام بوده است و در این مقاله، تنها به مواد قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱ ارجاع داده می‌شود.

۴. در کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) که ایران نیز در سال ۱۳۷۲ به آن پیوسته نیز رعایت مصلحت کودک در مواد گوناگون مورد تأکید قرار گرفته است که از جمله می‌توان به مواد ۳، ۹، ۱۸، ۲۰، ۲۱، ۳۷ و ۴۰ اشاره کرد.

ممکن است به نگهداری طفل در بهزیستی و محیطی آرام‌تر از خانواده منجر شود. در فصل سوم نیز مجازات‌هایی برای والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی که وظایف خود را به خوبی انجام نداده‌اند، مقرر شده است و به‌موجب بند «الف» ماده ۲۲، یکی از موارد تشدید مجازات، داشتن سمت وصایت، قیمومت یا سرپرستی طفل است.^۱

در این خصوص، یکی از نکات مثبت قانون پرداختن به آزار جنسی از سوی محارم در ماده ۱۰ و جرم‌انگاری آن است. توضیح آنکه تا پیش از تصویب این قانون، در صورت اثبات زنا یا محارم، مجازات حدی اعدام قابل اجرا بود که با توجه به رقم سیاه بالای این‌گونه جرایم در محیط خانواده و دشواری اثبات حد و نیز شدت مجازات، در عمل اجرای آن ناممکن بود. گرچه هنوز و با وجود جرم‌انگاری این ماده، مشکل بالا بودن رقم سیاه این‌گونه جرایم، موجود است، می‌توان با آموزش کودکان و اقدامات پیشگیرانه جامعه‌مدار، موارد گزارش از سوی کودک یا نوجوان بزه‌دیده را بالا برد. این امر، از این نظر اهمیت دارد که آزار جنسی در خانواده، علاوه‌بر اینکه خود یک عامل خطر است، می‌تواند زمینه‌ساز بسیاری از بیماری‌های روانی و عوامل خطر ثانوی در طفل یا نوجوان باشد.

با این حال، آنچه در این قانون به چشم نمی‌خورد، توجه کافی به ظرفیت نهاد خانواده به عنوان یک عامل حمایتی است. گرچه بند «ب» ماده ۴، ارائه مشاوره به طفل یا نوجوان را پیش‌بینی کرده، هیچ اشاره دقیقی به جلسات مشاوره با حضور والدین و طفل نشده است. ماده ۳۲ نیز به اختصار دعوت از والدین، اولیاء، سرپرستان قانونی و یا سایر اشخاص مرتبط با طفل یا نوجوان و در صورت لزوم دعوت از طفل یا نوجوان به همراه آنها را از سوی مددکاران اجتماعی بهزیستی پیش‌بینی کرده است، بدون اینکه توضیح بیشتری در این خصوص داشته باشد.

البته شاید بتوان این ایراد را با توجه به بند ۱۱ لایحه تشکیل پلیس ویژه اطفال که در آن برگزاری جلسات مشاوره با طفل و نوجوان، خانواده یا دیگر اشخاص مرتبط با وی پیش‌بینی شده است، در صورت تصویب این لایحه، رفع شده دانست. توضیح آنکه، گرچه مداخله پلیس ویژه اطفال پس از شروع به بزهکاری آغاز می‌شود، به‌موجب فصل سوم لایحه، تدابیر و اقدامات پیشگیرانه در خصوص بزهکاری اطفال و نوجوانان نیز برعهده این نهاد گذاشته شده و شامل مداخله حمایتی پیش از شروع به بزهکاری نیز می‌شود.

۱-۱-۳- عامل همتایان

همراه با ورود کودک به مرحله نوجوانی که با بلوغ جسمانی و روانی وی همراه است، به‌تدریج احساس استقلال در نوجوان تقویت می‌شود و وی از خانواده فاصله می‌گیرد و همتایان و همسالان خود را جایگزین خانواده از نظر الگوبرداری و تعاملات اجتماعی می‌کند.

این عامل از زمان پدیدار شدن مفاهیمی مانند «خرده‌فرهنگ‌ها» توسط کلوارد و اوهلین^۲ و تکمیل این مطالعات توسط ساترلند با نظریه هم‌نشینی افتراقی و اصول نه‌گانه ساترلند و کرسی در مورد یادگیری کج‌رفتاری^۳ به‌طور جدی علت شناسی بزهکاری اطفال و نوجوانان مورد توجه قرار گرفت.

بنابراین همتایان، از عوامل خطر مهم است که پیش از شروع به بزهکاری و پس از آن، نقش مهمی در شکل‌دهی به رفتار نوجوان دارند و باید همواره مدنظر قرار گیرند.

۱. با این حال، این قانون به طرز شگفت‌آوری مجازات والدین، اولیای قانونی و سرپرستانی را که در اثر بی‌توجهی و سهل‌انگاری آسیبی به طفل وارد کنند، به‌موجب تبصره ماده ۹ تا حداقل کاهش داده است. چنین رویکردی تنها با توجه به بند ۱ ماده ۱۵۸ و پذیرش مشروعیت تأدیب بدنی در چهارچوب حقوقی ایران قابل درک است.

2. Cloward & Ohlin

۳. برای مطالعه این اصول ر.ک: فریده ممتاز، (۱۳۸۱)، انحرافات اجتماعی، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار، ص ۹۰ به بعد.

در این خصوص، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، در ماده ۸ به جرم‌انگاری تهدید، ترغیب یا تشویقی می‌پردازد که موجب فرار طفل یا نوجوان از خانه یا مدرسه و یا ترک تحصیل وی شود. همان‌گونه که ماده ۲۳ این قانون تصریح دارد، بدیهی است که ممکن است مرتکب این جرم، خود، طفل یا نوجوان باشد.

تدبیر دیگر در این خصوص، مربوط به تکلیف سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به‌موجب بند ۱ قسمت پ ماده ۶ است که باید نسبت به نگهداری جداگانه اطفال از نوجوانان و سایر زندانیان اقدام کند. این اقدام که منطبق با بند سوم ماده ۳۷ کنوانسیون حقوق کودک است، با توجه به یافته‌های جرم‌شناختی در خصوص تلقین‌پذیری کودکان و نوجوانان و اهمیت همتایان مقرر شده است. البته بدیهی است که در صورتی که به همتایان به عنوان یک عامل خطر بنگریم، اولویت اول باید عدم نگهداری کودک یا نوجوان در محیطی همراه همتایان بزهکار دیگر باشد و به نظر می‌رسد قانون مجازات اسلامی در مواد ۸۸ و ۸۹ تلاش کرده موارد نگهداری در قانون اصلاح و تربیت را محدود کند.

با این حال، مواد فوق همگی به نقش عامل همتایان به عنوان یک عامل خطر ثانوی اشاره دارند. دلیل این امر آن است که با تصویب قوانین نمی‌توان نقش این عامل را پیش از تعارض با قانون مدّ نظر قرار داد. همچنین توجه به عامل مهم مدرسه، به عنوان مکانی که طفل یا نوجوان، همتایان خود را ملاقات می‌کند، حائز اهمیت فراوان است.

۱-۱-۴- عامل مدرسه

مدرسه به عنوان دومین محیط اجتماعی که طفل پا به آن می‌گذارد و گروه مهم همتایان خود را ملاقات می‌کند، عاملی مهم در شکل‌دهی به شخصیت وی شناخته می‌شود و نخستین بار با نظریات تراویس هیرشی به‌عنوان یکی از عوامل خطر به‌صورت نظام‌مند وارد جرم‌شناسی شد. در این خصوص، راتر و همکارانش استدلال می‌کنند مدارس باید کارا باشند؛ ویژگی‌هایی مانند مدیریت مؤثر کلاس درس، انتظارات بالای معلم، معلمانی که الگو باشند، بازتاب‌های مثبت و مراقبت از دانش‌آموزان، شرایط کاری مناسب برای خدمه و دانش‌آموزان و فعالیت‌های مشترک میان خدمه و دانش‌آموزان از خصوصیات چنین مدرسی هستند^۱ (Rutter et al., 1979, p. 177).

همچنین در تحقیقی که گافین و همکارانش انجام دادند، نشان داده شد که شکست در مدرسه و وضعیت اجتماعی - اقتصادی کودک می‌تواند پیش‌بینی‌کننده سوءاستعمال مواد مخدّر باشد (Gaffin et al, 2013, p. 1).

در نظام حقوقی ایران، اصل ۳۰ ق.ا. به آموزش و پرورش اختصاص یافته است و بیانگر اهمیت نهاد مدرسه در بالاترین سند حقوقی کشور است. با این حال، این اصل هیچ جزئیاتی در خصوص چگونگی اداره ارائه نمی‌دهد. گذشته از تحولاتی که در نظام آموزشی ایران رخ داده است که مهم‌ترین آنها در «سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش» بازتاب یافته است، توجه به نقش مدرسه به عنوان یک عامل خطر یا حمایتی در قوانین تازه به تصویب رسیده مشهود است.

۱. نظام آموزش و پرورش در ژاپن که از برترین نظام‌های آموزشی در جهان است، از این نظر مثال‌زدنی است. از جمله ویژگی‌های این نظام می‌توان به این موارد اشاره کرد: تأکید بر کار گروهی، انعطاف‌پذیری فکری، پشتکار، صبر و حوصله، احترام به دیگران، روحیه همکاری دسته‌جمعی، انضباط و شوق به کار، ثبات، تأکید بر جنبه کاربردی آموزش، مشارکت فعال دانش‌آموزان در کارهای مدرسه، حس مسئولیت‌پذیری، مورد توجه بودن بازی‌های آزاد در مدرسه، همکاری نزدیک خانواده با مدرسه، توجه به خودمدیریتی، ایجاد فرصت‌های مساوی برای همگان، نبود تعارض و دشمنی بین معلم و شاگرد و ... برای مطالعه بیشتر در این مورد ر.ک: ابوالفضل بختیاری، (آذر ۱۳۸۸)، با فرهنگ آموزش در ژاپن آشنا شویم، ماهنامه پیوند، شماره ۳۶۲، ۱۲ و ۱۳.

در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، بند چ ماده ۶ وظایف بسیاری برعهده وزارت آموزش و پرورش گذاشته است. نکته مهم در این خصوص، توجه بیشتر به نقش حمایتی مدرسه در مقابل نقش آن به عنوان یک عامل خطر در این قانون است. در واقع، به نظر می‌رسد این قانون فرض را بر این گذاشته است که مدارس دارای کیفیت لازم و قابل قبولی هستند. گرچه نگارنده امیدوار است تمامی مدارس کشور از چنین سطحی برخوردار باشند، توجه به مدرسه به عنوان یک عامل خطر بالقوه، به خصوص به دلیل همراهی با عامل مهم همتایان، می‌توانست به جامعیت این مقررات بیفزاید. به عنوان مثال، سنجش مداوم و دوره‌ای کارکرد مدارس به موجب نظرسنجی از دانش‌آموزان و والدین و انجام بازرسی‌های غیرمنتظره توسط بازرسان مستقل و متفاوت در هر جلسه بازرسی و پیش‌بینی نهادهی برای پیگیری سریع شکایات در خصوص کارکرد مدارس، از موارد مهم برای ارتقای سطح این نهاد مهم هستند.

۱-۲- پیشگیری رشدمدار

گرچه این گفته که پیشگیری بهتر از درمان است، ابتدا در علم پزشکی مطرح شد، امروزه در بسیاری از حوزه‌های دیگر و از جمله جرم‌شناسی نیز به‌طور جدی مطرح شده است و تقسیم‌بندی‌هایی با توجه به انواع اقدامات پیشگیرانه، جامعه هدف و آثار آن از پیشگیری صورت گرفته است.

با این حال پیشگیری، برای اینکه بهترین نتیجه ممکن را از نظر صرفه‌جویی در منابع در پی داشته باشد، باید مبتنی بر منابع و شواهدی مبنی بر ارتکاب جرم باشد. اصولاً اگر پیشگیری هدفمند باشد و تمرکز خود را بر افراد، موقعیت‌ها یا مکان‌هایی که عوامل خطر بالاتری دارند، قرار دهد، موفق‌تر خواهد بود. پیشگیری رشدمدار، سعی در برآوردن این هدف دارد.

پیشگیری رشدمدار، نوعی از پیشگیری اجتماعی است که به مداخلات پیشگیرانه در مورد کودکان یا نوجوانانی که امکان بالای تعارض با قانون در آینده را دارند، می‌پردازد. این نوع پیشگیری، انسان را محور تبیین پدیده جنایی قرار می‌دهد (صفری، ۱۳۸۰، صص ۳۶-۳۵) و توجه ویژه‌ای به تغییرات در افراد و الگوی ارتکاب جرم در سنین گوناگون دارد.

در محافل عمومی حقوق کیفری ایران و قوانین در سال‌های اخیر توجه خاصی به پیشگیری معطوف شده است که مهم‌ترین بازتاب آن را می‌توان در قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب ۱۳۹۴ یافت. با این حال، هیچ ماده‌ای از این قانون، به‌طور اختصاصی به اطفال و نوجوانان نپرداخته است. در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان نیز به نظر می‌رسد بیشتر توجه بر پیشگیری جامعه‌مدار^۱ است و نه پیشگیری رشدمدار. بسیاری از تکالیفی که به موجب بند «ح» ماده ۶ این قانون برعهده سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران گذاشته شده‌اند که اصولاً کارهای فرهنگی از نوع تولید محتوا و افزایش آگاهی را تشکیل می‌دهند، از همین نوع هستند. همچنین به موجب ماده ۴ این قانون، وظیفه انجام مطالعات و تحقیقات آماری و اطلاعاتی و پایش و ارزشیابی فعالیت‌های دفاتر استانی و شهرستانی به عهده دفتر حمایت از اطفال و نوجوانان قوه قضائیه گذاشته شده و بند «ج» ماده ۵، مجدداً بر این وظیفه تأکید کرده است.

۱. پیشگیری جامعه‌مدار به معنای مداخله در محیط اجتماعی عمومی و شخصی به منظور پیشگیری از وقوع جرم است و تفاوت مهم آن با پیشگیری رشدمدار در این نگاه است که در پیشگیری جامعه‌مدار، تمام افراد مدنظر هستند، ولی پیشگیری رشدمدار، ناظر به قشر خاصی است. برای مطالعه بیشتر در این مورد رک: علی‌حسین نجفی ابرنآبادی، *تقریبات جرم‌شناسی (پیشگیری)*، نگارش از مهدی سیدزاده، دوره کارشناسی ارشد مجتمع آموزش عالی قم، نیمسال دوم تحصیلی ۸۲-۱۳۸۱، صص ۱۳۴۲ به بعد.

از سوی دیگر، برخی تدابیر پیشگیرانه نیز به موجب لایحه پلیس ویژه اطفال و نوجوانان برعهده پلیس ویژه گذاشته شده است. از جمله، به موجب بند «الف» ماده ۱۰ لایحه، «ایجاد نظام جامع اطلاعات و آماری مربوط به اطفال و نوجوانان موضوع این قانون با همکاری سایر دستگاه‌های مربوط» و بسیاری از برنامه‌های حمایتی در مدرسه به موجب ماده ۱۱، برعهده پلیس ویژه خواهند بود.

اشاره به ایجاد نظام جامع آماری و نیز انجام مطالعات و تحقیقات آماری، به تنهایی داللتی بر انجام تحقیقات طولی در زمینه جرم‌شناسی رشدمدار ندارد، ولی از لحاظ تعیین مرجعی برای انجام این‌گونه مطالعات، می‌تواند راه‌گشا باشد. نکته دیگر اینکه، مطابق این مواد، مرجع راهبری این تحقیقات یک نهاد دولتی وابسته به قوه قضائیه است که از بودجه عمومی استفاده می‌کند و به آمار مربوطه دسترسی دارد. این امر، دارای کارکردهای مثبت و منفی است: کارکرد مثبت در این خصوص، تأمین مالی هدایت این تحقیقات با توجه به هزینه‌بر بودن و زمان‌بر بودن آنهاست. زیرا بدیهی است که یک محقق مستقل، مانند دانشجویی که در مقاطع تحصیلات عالی مشغول نگارش پایان‌نامه یا رساله دکتری خود است، هرگز فرصت، بودجه و دسترسی به منابع اطلاعاتی برای انجام یک تحقیق رشدمدار را ندارد. کارکرد منفی، ممکن است شامل محرمانه تلقی نمودن نتایج این تحقیقات یا انتشار ناقص آنها و نیز عدم انگیزه لازم به ارائه کاری علمی با پشتوانه نظری کافی باشد. این ایراد، با همکاری این دفتر با نهادهای علمی خصوصی یا دانشگاهی قابل رفع خواهد بود که البته مواد قانونی اشاره‌ای بر آن ندارند.

با این همه به نظر می‌رسد انجام تحقیقات طولی، به دلایل گوناگون، هیچ‌گاه از اولویت‌های بودجه‌بندی‌های سالیانه در ایران نبوده است که عدم انجام یا انتشار حتی یک مورد تحقیق طولی بومی، به‌عنوان مثال مانند مطالعه کمبریج توسط فرینگتون، قرینه‌ای بر این ادعاست که امید می‌رود با تصویب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان و تعیین مرجعی برای انجام این‌گونه پژوهش‌ها، این حوزه مورد توجه قرار گیرد.

۲- آموزه‌های جرم‌شناسی رشدمدار پس از شروع به بزهکاری و بازتاب آنها در قوانین ایران

جرم‌شناسی رشدمدار، فرد را در طول زندگی‌اش دنبال می‌کند و به تحلیل تغییرات تحولات انسانی با توجه به گذرگاه‌ها^۱ و گذارها^۲ می‌پردازد. گذرگاه، مسیر یا خطی از رشد در دوران زندگی است، مانند تحصیلات، کار یا رفتار مجرمانه و گذارها، رویدادهای زندگی هستند، مانند شروع مدرسه، فارغ‌التحصیلی یا اولین تجربه‌های زندگی. در این مسیر، شروع به بزهکاری گذر مهمی در زندگی فرد است که بر گذرگاه‌های احتمالی بعدی وی تأثیر خواهد گذاشت.

جرم‌شناسی رشدمدار، پس از ورود فرد به این گذر، مفاهیم شروع، پایداری و ترک را مطرح می‌کند و به تحلیل هریک از آنها با دیدگاهی پدیدارشناختی می‌پردازد. ما نیز در این بند، ضمن بررسی این مفاهیم، به بازخوانی برخی مواد قانونی مرتبط با آنها از دیدگاه قانونی خواهیم پرداخت.

1. Trajectories
2. Transitions

در متون جرم‌شناسی به زبان فارسی این واژه، گاهی انتقال و گاهی گذار ترجمه شده است. به‌عنوان مثال و برای مطالعه بیشتر در مورد این واژگان، ر.ک: شادی عظیم‌زاده، (۱۳۹۰). **پایداری در بزهکاری**، تهران، جاودانه، صص ۲۶۷-۲۶۲؛ حسین غلامی، (۱۳۸۲)، **تکرار جرم**، چاپ اول، تهران، میزان، صص ۲۷۸-۲۷۳.

۲-۱- شروع به بزهکاری

شروع به بزهکاری، چرخشی مهم در زندگی هر فرد است که فردی که سابقاً دست به ارتکاب هیچ جرمی نزده، برای اولین بار رفتاری معارض قوانین کیفری انجام می‌دهد. از آنجا که بسیاری از مطالعات نشان می‌دهند، شروع زود هنگام، احتمال پایداری در ارتکاب جرم در آینده را افزایش می‌دهد، این رخداد در جرم‌شناسی رشدمدار، بسیار مهم است و اهمیت شناسایی و مداخله زود هنگام را بیشتر نمایان می‌کند. با این حال، تعریف شروع به بزهکاری، همانند چگونگی سنجش آن با چالش‌های بسیاری مواجه است.

نخستین ابهام، مربوط به زمان شروع به بزهکاری است. زیرا ممکن است فرد دارای سابقه جنایی نباشد، ولی سابقه رفتارهای پرخطر داشته باشد و یا اینکه مرتکب جرایمی شده باشد، ولی این جرایم هرگز ثبت نشده باشند. ادوین ساترلند در این مورد استدلال می‌کند که به‌طور مثال بسیاری از جرایم کودکان ثبت نمی‌شوند، زیرا بسیار بعید است که از کودک انگشت‌نگاری شود و جرم او در سجل کیفری ثبت گردد. از این رو نرخ رقم سیاه جرایم کودکان بسیار بالاست (کی‌نیا، ۱۳۷۶، ص ۱۷۸).

با توجه به وجود نهادهای ارفاقی در خصوص بزهکاری کودکان و نوجوانان، تقریباً همواره اولین محکومیت، به معنای محکومیت در مقابل اولین تعارض با قوانین کیفری نیست. با این حال، با توجه به غیرممکن بودن سنجش زمان اولین بزهکاری، بسیاری از پژوهش‌ها اولین برخورد طفل یا نوجوان با نهادهای کیفری را شروع به بزهکاری محسوب می‌کنند.

به عنوان مثال، در مطالعه معروف کمبریج در مورد رشد بزهکاری، پیکرو و دیگران (۲۰۰۷) سن شروع را به‌عنوان سن اولین محکومیت در نظر گرفتند. لاب و سمپسون (۲۰۰۳) در همین مسیر حرکت کردند. همچنین در مطالعه ولفگانگ و دیگران (۱۹۷۲) شروع اشاره به رخدادی دارد که در آن کودکی که بزهکار نامیده شده برای اولین بار تحت نظارت پلیس درمی‌آید (کارلسون و سانکی، پیشین، ص ۱۷۲). در نظام حقوقی ایران، با توجه به حاکمیت اصل برائت، به نظر می‌رسد چاره‌ای به غیر از در نظر گرفتن زمان اولین محکومیت به عنوان سن شروع به بزهکاری وجود ندارد، گرچه پژوهش‌گر همواره باید این محدودیت را در نتیجه‌گیری‌های خود مد نظر داشته باشد.

ابهام دیگر آنکه، در پژوهش‌ها، گاه از شروع به‌عنوان متغیری مستقل و گاه به عنوان متغیری وابسته استفاده می‌شود. به عبارت دیگر، زمانی که وجود شرط یا رخدادی همانند همتایان بزهکار یا اختلال رفتاری، احتمال شروع را افزایش می‌دهد، به عنوان نتیجه دانسته می‌شود. در چنین مواردی شروع با توجه به شماری از عوامل خطر، پیش‌بینی می‌شود. در مواقع دیگر، شروع خود به‌عنوان عامل خطر دانسته می‌شود. مثلاً در جایی که سن اولیه شروع پیشگوی قوی حربه مجرمانه بعدی طولانی‌مدت و شدید دانسته می‌شود (همان، ص ۱۷۶). در این نوشتار، شروع به عنوان یک متغیر وابسته به عوامل خطر اولیه مذکور در بند ۱ دانسته شده که در عین حال، عامل خطری برای نقض شدیدتر قوانین جزایی است.

ابهام سوم، دیدگاه‌های نظری متفاوت در خصوص شروع به بزهکاری از سوی کودکان و نوجوانان است. از یک‌سو، مافیت استدلال می‌کند که افرادی که در نوجوانی شروع به بزهکاری می‌کنند دارای سابقه رفتار ضداجتماعی یا شرایط پرخطر نیستند، بلکه در نوجوانی بسیاری از افراد نوعی خلأ بلوغ را به شکل ناتوانی در دستیابی به اهداف بزرگسالانه و منزلت‌ها به مقتضای سن خود تجربه می‌کنند. بنابراین اعمال بزهکارانه راهی برای انجام این امر می‌شود: سیگار کشیدن، نوشیدن الکل و ارتکاب جرایم نسبتاً خرد (Knepper & Kett, 2010, p. 61). از سوی دیگر، محققانی مانند سمپسون و لاب استدلال می‌کنند که مرحله نوجوانی زمانی است که در آن فرد جوان، رها می‌شود و

دارای رویکردی منفی نسبت به کنترل اجتماعی خانواده و سایر نهادهای اجتماعی، از جمله حقوق کیفری است. رها شدن در این مفهوم، همچنین فرد را برای درگیری در رفتارهایی که غیرقانونی به نظر می‌رسند، آزاد می‌کند (Laub & Sampson, 1988, pp. 355-380). اعتبار لازم است. با این حال، شاید این دو دیدگاه با یکدیگر قابل جمع باشند و در مباحث این مقاله، احتمالاً چگونگی رخ دادن فرایند شروع از لحاظ نظری اهمیت چندانی ندارد.

در این خصوص جرم‌شناسی رشدمدار، صرف‌نظر از اختلاف دیدگاه‌های نظری بر دو نکته تأکید دارد: نخست آنکه، شروع به بزهکاری یک فرایند است و نمی‌توان زندگی افراد را به‌صورت صفر و یکی به پیش و بعد از شروع به بزهکاری تقسیم نمود؛ نکته دوم آنکه، فاز شروع با پایداری و ترک بزهکاری نیز رابطه مستقیم و نزدیکی دارد. جرم‌شناسان همچنین دریافته‌اند که برخی بزهکاران شروع زود هنگام دارند^۱ و برخی دیرشکوف^۲ می‌شوند. شروع زود هنگام به معنای شروع به بزهکاری در سنین کودکی و نوجوانی و شکوفایی دیرین، به معنای شروع به بزهکاری در بزرگسالی است. مسلماً با توجه به مشکل سنجش نقطه شروع ممکن است بسیاری از بزهکارانی که دیرشکوف^۳ شده‌اند را نیز بتوان در واقع مشمول گروه شروع زود هنگام دانست. در هر حال، با توجه به اینکه مرتکبان بزرگسال از موضوع مقاله حاضر خارج می‌باشند، بیشتر بر تبیین خصایص بزهکاری شروع زود هنگام می‌پردازیم.

به‌طور معمول، شروع زود هنگام پیش‌بینی‌کننده حرفه مجرمانه طولانی‌تر است. به‌طور اولیه کودکان و نوجوانان خرد هستند و به‌صورت گروهی با همکاری همتایان ارتکاب می‌یابند.^۴ در این میان، گاهی ارتکاب جرم، مسیر شتابی با افزایشی به خود می‌گیرد که در آن تعداد فقرات ارتکاب جرم و/یا شدت آن افزایش می‌یابد و در نتیجه احتمال محکومیت رسمی نیز افزایش می‌یابد. از این رو، تشخیص بموقع شروع زود هنگام و انجام اقدامات حمایت‌آمیز می‌تواند جلوی روند افزایشی بزهکاری طفل یا نوجوان را بگیرد.

در قوانین ایران، از دیرباز شروع به بزهکاری، به‌عنوان بازتابی از حالت خطرناک مرتکب مورد شناسایی قرار گرفته و جرم‌انگاری شده است. با این حال، در قوانین مجازات اسلامی، آیین دادرسی کیفری و حمایت از کودکان و نوجوانان هیچ ماده جداگانه‌ای به شروع به جرم از سوی اطفال و نوجوانان اختصاص نیافته است و تنها به‌موجب بند «ذ» قانون اخیر، یکی از موارد مداخله و حمایت این قانون، نقض قوانین جزایی توسط طفل یا ارتکاب جرم توسط نوجوان است. با این حال، یکی از تکالیف مشترک تمامی دستگاه‌های موضوع این قانون، عبارت است از شناسایی اطفال و نوجوانان در وضعیت مخاطره‌آمیز و گزارش‌دهی آن.

همچنین یکی از وظایف پلیس ویژه اطفال به‌موجب ماده ۱۱ لایحه پلیس ویژه اطفال عبارت است از شناسایی اطفال و نوجوانان نیازمند حمایت موضوع این قانون و انجام اقدامات حمایتی اولیه در مورد آنان و یا معرفی به مراجع حمایتی و درمانی.

با اینکه مواد ۸۸ و ۸۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقررات مناسبی در خصوص طفل یا نوجوان معارض قانون اتخاذ کرده‌اند، به نظر می‌رسد با توجه به اهمیت شروع به بزهکاری در کودکی در جرم‌شناسی رشدمدار، باید مقررات ویژه‌ای در این خصوص با هدف حمایت از طفل یا نوجوان و پیشگیری از پایدار شدن وی به تصویب برسد. این نکته به‌طور خاص در بند بعدی، همراه با تبیین مفهوم پایداری، مجدداً مورد تأکید قرار خواهد گرفت.

1. Early Onset
2. Late Blooming

۳. برای مطالعه در مورد ویژگی‌های جرایم کودکان و نوجوانان، ر.ک: نجفی توانا، پیشین، ۱۱۲-۱۰۸.

۲-۲- پایداری در بزهکاری

پایداری^۱ را در مفهوم مضیق، می‌توان به معنای تداوم یا تکرار رفتاری خاص، مانند جرم دانست. یعنی اگر فعالیت مجرمانه کسی را در شماری از نقاط مختلف زمانی اندازه‌گیری کنیم، درمی‌یابیم که مرتکب در بازه‌های زمانی گوناگون مرتکب بزهکاری شده است.

با این حال، در خصوص مفهوم پایداری نیز همانند شروع به بزهکاری پرسش‌ها و ابهام‌های بسیاری در خصوص سنجش و تمایز با شروع و ترک وجود دارد. به‌عنوان مثال، ولفگانگ و دیگران (۱۹۸۷) مرتکبان پایدار را به عنوان افرادی تعریف کردند که حداقل یکبار در نوجوانی (زیر ۱۸ سالگی) و حداقل یکبار در بزرگسالی (پس از ۱۸ سالگی) مرتکب جرم شده‌اند (کارلسون و سارنکی، پیشین، ص ۱۹۰). در این تعریف، بزهکاری پایدار در دوران کودکی و نوجوانی برای پایدار قلمداد نمودن مرتکب کافی نیست. چنین تعریفی با توجه به نظریه مرتکبان محدود به دوران نوجوانی قابل درک است.

یکی از مهم‌ترین تحلیل‌ها در حوزه پایداری در بزهکاری از سوی کودکان و نوجوانان، از سوی مافیت ارائه شده است. وی در سال ۱۹۹۳، نظریه خود در خصوص طبقه‌بندی دوگانه رشدی مافیت را منتشر کرد^۲ و بزهکاران را به دو دسته بزهکاران پایدار و بزهکاران محدود به نوجوانی تقسیم نمود.

در خصوص بزهکاران پایدار، بزهکاری از سنین کم شروع می‌شود و در طی جریان زندگی با تداوم افزایشی^۳ و هم‌زمان^۴ افزایش می‌یابد. منظور مافیت از تداوم هم‌زمان، مجسم کردن ارتباط مستقیم میان مشکلات اصلی کودکی و مشکلات بزرگسالی است. بنابراین به‌طور مثال، کودکانی که دارای مزاج بیمارگونه هستند، تمایل دارند در بزرگسالی نیز مزاجی تند داشته باشند و این مطلب برای آنها در بزرگسالی مشکل‌ساز می‌شود. به سخن دیگر، خصایصی که در ابتدا فرد را در کودکی به دردسر می‌اندازند، مانند تکانشی بودن، کج‌خلقی و خودکنترلی ضعیف در بزرگسالی پایدار بوده و مشکلاتی به وجود می‌آورند. وی استدلال می‌کند که مرتکبان پایدار در جریان زندگی از سن بسیار پایین، مدام درگیر مشکلات مختلف رفتاری در طی زمان هستند و قادر به ترک این مسیر نیستند حتی اگر سرانجام قصد ترک داشته باشند (Moffitt, 2006, pp. 98-570).

در مقابل، در دسته‌ای دیگر از کودکان و نوجوانان، ارتکاب جرم محدود به سنین نوجوانی است. وی استدلال می‌کند بزهکاری محدود به دوران نوجوانی همه‌جا یافت می‌شود. در واقع درگیری در جرم برای نوجوانان آنقدر مرسوم است که از نظر آماری مرتکب جرم نشدن در خلال نوجوانی غیرمعمول است. این افراد از دو نظر از مرتکبان دسته پیشین متفاوت هستند: اول، در حالی که مرتکبان پایدار در جریان زندگی مدام درگیر رفتار ضداجتماعی در بافت‌های متفاوت می‌شوند، یعنی در مدرسه، خیابان و خانه قانون‌شکن هستند، رفتار مرتکبان محدود به نوجوانی دارای خصیصه عدم تداوم است؛ بدین معنا که ممکن است فرد درگیر جرم در اوقات فراغت

1. Persistence

2. Moffitt's Dual Developmental Taxonomy:

به نظر می‌رسد در مورد این نظریه، ترجمه آشنایی به زبان فارسی وجود ندارد. نگارنده در یک مورد با ترجمه ساده‌شده «نظریه طبقه‌بندی رشدمدار مافیت (نظریه گونه‌شناسانه مافیت)» برخورد کرد. با این حال، با توجه به اینکه دوگانه بودن این طبقه‌بندی به مرتکبان پایدار در زندگی و مرتکبان محدود به نوجوانی، دارای اهمیت فراوان است، ترجیح داد این موضوع را در اصطلاح فارسی نیز حفظ کند و به خواننده انتقال دهد. برای مطالعه بیشتر در مورد این مفهوم و اصطلاح انتخابی برای ترجمه، ر.ک: فرید محسنی، (۱۳۹۳)، دستاوردهای نظری و عملی جرم‌شناسی رشدمدار، مجله دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۶۶ صص ۱۶۸-۱۴۵.

3. Cumulative Continuity

4. Contemporary Continuity

گردد، ولی در مدرسه همین فرد دانش‌آموز خوبی است و در خانه نوجوانی با رفتار مناسب است؛ دوم و مهم‌تر اینکه، مرتکب محدود به دوران نوجوانی دارای سابقه رفتار ضداجتماعی نیست. درحالی‌که مرتکب پایدار در جریان زندگی از زمانی که کودک کوچکی بوده درگیر همه نوع رفتارهای مشکل‌آفرین شده است. زمانی که مرتکب محدود به نوجوانی وارد سنین نوجوانی می‌گردد به نظر می‌رسد رفتار مجرمانه به‌سادگی بیرون می‌زند. این نوع مرتکبان برای مدت کوتاهی پایداری کرده و سپس متوقف می‌شوند.^۱

با درنگی بر قوانین ایران، به نظر می‌رسد بیشتر قوانین و سیاست‌ها بر مبنای محدود به نوجوانی بودن ارتکاب جرم تدوین شده‌اند. به عنوان مثال، مطابق ماده ۱۳۸ ق.م.ا مقررات تکرار جرم در خصوص اطفال اعمال نمی‌شود. همچنین، راهکارهای بسیاری برای پیشگیری از برچسب خوردن طفل معارض قانون پیش‌بینی شده‌اند، مانند ماده ۱۹ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در خصوص مجازات افشای هویت یا اطلاعات یا اسرار طفل، رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان در دادرها یا دادگاه‌های تخصصی، انجام تحقیقات مربوط به جرایم آنها توسط پلیس ویژه به‌موجب ماده ۳۱ ق.آ.د.ک و در صورت امکان توسط ضابطان آموزش‌دیده زن به‌موجب ماده ۴۲ همین قانون، همچنین عدم لزوم حضور طفل در رسیدگی‌ها و حضوری محسوب شدن رأی به‌موجب ماده ۴۱۴ همین قانون. همه این مقررات دلالت بر این دارند که پیش‌فرض اولیه قانونگذار بر این بوده که طفل یا نوجوان احتمالاً بعد از رسیدن به بزرگسالی ترک جرم خواهد کرد.

از دیدگاه قانونی، اتخاذ چنین رویکردی کاملاً بجاست. با این حال، نمی‌توان انکار کرد که احتمالاً برخی اطفال بزهکار به گروه اول تعلق دارند. ولی پیش‌بینی اینکه کدام دسته از اطفال معارض قانون پایدار خواهند بود و کدام دسته، جرم را ترک خواهند کرد، ناممکن یا لاقابل دشوار است. بنابراین به‌درستی پیش‌فرض بر تعلق به محدود بودن بزهکاری به نوجوانی قرار گرفته است. با این حال، اندیشیدن راهکارهای صرفاً حمایتی در خصوص کودکان و نوجوانانی که ممکن است در گروه اول قرار گیرند نیز می‌تواند مدّ نظر قانونگذار قرار گیرد. گرچه با توجه به نظریه مافیت، در مورد این گروه، حمایت احتمالاً تأثیر چندانی در پایداری این افراد نخواهد گذاشت. ولی با توجه به ماهیت پویا و پیچیده پدیده پایداری، نمی‌توان تأثیر برنامه‌های حمایتی را به‌کلی رد کرد و چه‌بسا با استفاده از این برنامه‌ها، کودک بزهکاری را ترک کند.^۲

۲-۳- ترک بزهکاری

ترک بزهکاری، در یک مفهوم ساده‌انگارانه بدین معناست که فردی که پیشتر لاقابل یکبار شروع به بزهکاری کرده است، با اختیار خود ارتکاب رفتار مجرمانه را متوقف کند. با این حال، این مفهوم نیز همانند مفاهیم شروع و پایداری، در عمل بسیار پویا، پیچیده و مبهم است.

نخست اینکه، در عمل مجزا کردن پایداری از ترک، بسیار دشوار است، زیرا این دو در بسیاری جهات دوروی یک سکه هستند. همان‌گونه که سمپسون و لاپ^۳ استدلال می‌کنند بسیاری از مرتکبان، حتی مرتکبان پایدار، سرانجام ترک جرم می‌کنند. نکته دیگر اینکه تا زمانی که فرد زنده است ممکن است جرم تازه‌ای از وی به ثبت برسد. با توجه به سستی طبیعت انسان، اگر مفهومی بسیار مضیق از ترک را در نظر بگیریم، ممکن است در واقع

1. Ibid

۲. یکی از مباحث عمده جرم‌شناسی رشدمدار، حرفه مجرمانه است. با این حال، با توجه به اینکه تشخیص آن منوط به رسیدن به بزرگسالی است، در این مقاله به این موضوع پرداخته نشده است.

3. Sampson & Laub

تا زمان فوت فرد با قاطعیت ندانیم که فرد جرم را ترک کرده است. بنابراین اینکه چه مدت باید صبر کنیم قبل از اینکه بتوانیم بگوییم فرد ترک‌کننده جرم است، پرسشی است که پاسخ دادن به آن دشوار است (کارلسون و سارنکی، پیشین، صص ۲۱۶-۲۱۵).

پاسخ دادن به این پرسش، مجدداً به برداشت از ترک جرم به عنوان پدیده‌ای پایا یا پویا بازمی‌گردد. توضیح آنکه، گرچه برخی مرتکبان ناگهان و به سرعت ارتکاب جرم را متوقف می‌کنند، ترک جرم در اغلب موارد بیشتر شکل فرایندی را به خود می‌گیرد که در آن افراد به تدریج ارتکاب جرم را کاهش داده و متوقف می‌کنند. خصوص ترک بزهکاری از سوی کودکان و نوجوانان، یکی از بهترین تبیین‌ها، توجه به سن است. از نظر مافیت دلیل اصلی ارتکاب جرم برای مرتکبان محدود به نوجوانی، خلاً بلوغ در فرد است؛ جرم وسیله‌ای برای دستیابی به منبعی مطلوب، یعنی منزلت بزرگسالی، می‌شود. در گذار به بزرگسالی، این خلاً بلوغ، دیگر وجود نخواهد داشت و بنابراین فرد، دیگر نیازی به فعالیت مجرمانه ندارد. از آنجا که ارتکاب جرم از سوی وی مقطعی و جزئی بوده است، منجر به هیچ نوع نتیجه منفی اجتماعی یا روانی نشده است و فرد مشکل اساسی در ترک جرم پیش‌رو نخواهد داشت. مطابق نظر مافیت، فشار خارجی بر فرد اعمال می‌شود تا جرم را ترک کند: رفتار مجرمانه با خصایص بزرگسالی منطبق نیست. به سخن دیگر، ترک جرم در دو مفهوم تبدیل به رفتاری هنجاری می‌شود: نخست، به عنوان کاری که اکثریت بزهکاران انجام می‌دهند؛ و دوم، به عنوان چیزی که جامعه از فرد انتظار دارد (Moffitt, op.cit.).

توجه به این تبیین، می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های مربوطه کودکان و نوجوانان بسیار مؤثر باشد. زیرا اگر سن را به عنوان عاملی مهم در بزهکاری بدانیم، در هر حال فرد بعد از رسیدن به سنی خاص، بزهکاری را ترک خواهد کرد. همچنین جایگزینی فعالیت مجرمانه با فعالیت‌هایی که از نظر جامعه مقبول است و نوجوان امکان اشتغال به آنها را دارد، می‌تواند ترک بزهکاری را تسهیل کند.

زمانی که اجتماع از طریق نهادهای دولتی و غیردولتی در زندگی فرد مداخله می‌کند، در صورتی که مداخله مورد نظر، جاسازی فرد در بافت متعارف نهادی جامعه را افزایش دهد، می‌تواند ترک جرم را تسهیل کند. چنین مداخله‌ای فرصت‌های فرد را برای رشد موافق جامعه، افزایش و احتمال پایداری را کاهش می‌دهد. بنابراین مداخله ناتوان‌ساز، مانند زندان یا محکومیت به مراقبت نهادها، می‌تواند در کوتاه‌مدت تأثیرهای شدیدی از لحاظ کنترل افزایش یافته داشته باشند و تقریباً هیچ فرصتی برای درگیری در جرم فراهم نکنند. در بلندمدت پژوهش‌های با حجم بالا نشان داده‌اند آثار ناتوان‌سازی الزاماً برعکس هستند. از طریق ناتوان‌سازی، فرد از منابع احتمالاً معدود موافق اجتماع خود که به آنها دسترسی دارد مانند کار، تحصیل، خانواده، دوستان و ... جدا می‌افتد. تعداد نقاط چرخش احتمالی یا قالب‌های تغییر به طرز چشمگیری کاهش می‌یابند. به طور مثال، پیدا کردن کار در صورت وجود سابقه جنایی، بسیار سخت‌تر است (کارلسون و سارنکی، پیشین، صص ۲۴۳).

بدیهی است که در این خصوص برنامه‌های بزرگسالان باید با برنامه‌های اطفال و نوجوانان متفاوت باشد. به نظر می‌رسد در جامعه ایران، تحصیلات عالی، اشتغال و حرفه‌آموزی نقش مهمی در تسهیل ترک بزهکاری دارند. در خصوص اشتغال، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مقررات حمایتی بسیاری مقرر کرده است که بیشتر آنها برعهده وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی گذارده شده‌اند (بند ۶ ماده ۶). با این حال، باید توجه داشت که با توجه به موضع ضعیف‌تر نوجوان شاغل نسبت به کارفرما، احتمال بزه‌دیدگی وی در حوزه‌های گوناگون مانند محیط کار وجود دارد که خود، می‌تواند به جای کمک به ترک بزهکاری، احتمال پایداری در بزهکاری را افزایش دهد. بنابراین، اجرای دقیق قوانین حمایتی، به خصوص در مورد کودکان و نوجوانان شاغل بسیار حائز اهمیت است.

در خصوص تحصیلات عالی، با توجه به اینکه ورود به این مرحله هم‌زمان با ورود به بزرگسالی است، می‌تواند گذرگاه مهمی برای پرورش به سوی زندگی متعارف بزرگسالان باشد. تدارک امکان ادامه تحصیل و افزایش ظرفیت نهادهای آموزش عالی، در سال‌های اخیر امکانات خوبی برای نوجوان یا جوانی که در عمل در این سن، امکان یافتن شغل مناسب را ندارد، فراهم کرده‌اند. در این خصوص، عدم محرومیت از حقوق اجتماعی امری مهم است که بر اساس ماده ۹۵ ق.م.ا مقرر شده است.

نتیجه

جرم‌شناسی رشدمدار، با محور قرار دادن انسان و تحولات مسیر زندگی وی و تمرکز بر برنامه‌های مطابق با این تغییرات، در سال‌های اخیر به یکی از شاخه‌های مهم مطالعاتی این رشته تبدیل شده است. با توجه به تمرکز خاص این رشته بر کودکان و نوجوانان، شناسایی زودهنگام عوامل خطر اولیه و لزوم اندیشیدن اقدامات پیشگیرانه رشدمدار، تأمل در این مرحله از زندگی از اهمیت دوچندان برخوردار است.

در این مقاله، تلاش شد شمایی کلی از مهم‌ترین مفاهیم جرم‌شناسی رشدمدار در حوزه کودکان و نوجوانان ارائه شود. در این خصوص، با توجه به مفصل بودن مباحث و تعدد منابع و تحقیقات در کشورهای دیگر تا حدود زیادی از تفصیل مباحث نظری خودداری شد و نقطه تمرکز بر بازخوانی قوانین ایران با توجه به آموزه‌های این مکتب فکری قرار گرفت.

در این راستا، به نظر می‌رسد قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ مقررات قابل توجهی در خصوص عوامل خطر اولیه دارد و به منظور تضمین اجرای خود، جرم‌انگاری‌های مناسبی انجام داده است. وظیفه انجام تحقیقات در این حوزه نیز، برعهده دفتر حمایت از کودکان و نوجوانان قوه قضائیه گذاشته شده است. لایحه پلیس ویژه اطفال و نوجوانان نیز راهکارهایی در خصوص پیشگیری از جرم دارد و تدابیر و اقدامات حمایتی مقرر کرده است. با این حال، در برخی حوزه‌ها مانند شروع به بزهکاری، پایداری و ترک جرم، مقررات خاصی به غیر از حکم ماده ۱۳۸ ق.م.ا در مورد تکرار جرم در خصوص کودکان و نوجوانان مشاهده نمی‌شود. در ضمن، یادآوری شد که برخی آموزه‌های جرم‌شناسی رشدمدار، نه توسط قوانین بلکه با برنامه‌ها و سیاست‌های کلان قابل تحقق خواهند بود. با بررسی تمامی قوانین موجود، می‌توان ادعا کرد گرچه شاید تدوین‌کنندگان این قوانین توجه کاملی به مبانی نظری جرم‌شناسی رشدمدار نداشته‌اند، از لحاظ قانونی، نظام ایران با خلأ بزرگی مواجه نیست. خلأ بزرگ در این خصوص، انجام تحقیقات میدانی طولی در خصوص کودکان و نوجوانان است. به طوری که گرچه نگارنده در مطالعه آثار انگلیسی در این حوزه، با مشکل گزینش آثار، با توجه به محدودیت حجم مقاله از یک سو و گستردگی مطالعات از سوی دیگر، مواجه بود، در ایران تقریباً هیچ مطالعه مستقلی در این خصوص صورت نگرفته است.

مسلماً دلایل این خلأ ممکن است زمان‌بر بودن مطالعات طولی و هزینه‌بر بودن و نامحسوس بودن نتایج در کوتاه‌مدت باشند. همچنین عدم دسترسی به آمار، لزوم همکاری محققان گاهی در چند نسل به منظور به سرانجام رسیدن این تحقیقات، از محدودیت‌های دیگر تلقی می‌شوند.

با این همه این محدودیت‌ها نباید مانع انجام چنین تحقیقاتی باشد. خاصه آنکه به‌موجب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، دفتر حمایت از کودکان و نوجوانان به‌طور رسمی متولی انجام آن شناخته شده است و انتظار می‌رود با مشارکت پژوهشگران علاقمند و متخصص در این امر، در راستای انجام این وظیفه، انجام تحقیقات طولی را نیز در اولویت‌های کاری خود قرار دهد.

منابع

فارسی

۱. کتاب

- پاک‌نهاد، امیر. (۱۳۸۸). *سیاست جنایی ریسک‌مدار*، چاپ اول، تهران، میزان.
- پیکوآثر، الکس آر، جینگنز، وسلی جی. *آموزش خانواده در پیشگیری از جرم*، ترجمهٔ مریم عباچی، دانشنامه پیشگیری از جرم آکسفورد (۱۳۹۴). تهران، نشر میزان.
- جانسون، ریچارد آ، ویچرن، دین دبلیو. (۱۳۹۳). *تحلیل آماری چندمتغیری کاربردی*، ترجمهٔ حسینعلی نیرومند، چاپ هفتم، مشهد، دانشگاه فردوسی.
- خلیلی شورینی، سیاوش. (۱۳۸۹). *روش‌های تحقیق در علوم انسانی*، چاپ هفتم، تهران، یادواره کتاب.
- عظیم‌زاده، شادی. (۱۳۹۰). *پایداری در بزهکاری*، تهران، جاودانه.
- غلامی، حسین. (۱۳۸۲). *تکرار جرم*، چاپ اول، تهران، میزان.
- فرانس، آلن، هامل، راس. (۱۳۹۳). *تأثیر فراگیر فقر بر کودکان: کنترل فلاکت خانواده و ارتقای رشد کودک از طریق روش‌های منتهی به پیشگیری*، ترجمهٔ باقر شاملو و مهدی مقیمی، در *پیشگیری رشدمدار از جرم*، چاپ اول، تهران، میزان.
- کارلسون، کریستوفر، سارنکی، جرسی. (۱۳۹۹). *جرم‌شناسی جریان زندگی*، ترجمهٔ مهری بزرگر، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- کی‌نیا، مهدی. (۱۳۷۶). *مبانی جرم‌شناسی*، چاپ پنجم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- گسن، ریموند. (۱۳۷۴). *جرم‌شناسی نظری*، ترجمهٔ مهدی کی‌نیا، تهران، مجد.
- ممتاز، فریده. (۱۳۸۱). *انحرافات اجتماعی*، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- مهدوی، محمود. (۱۳۹۱). *پیشگیری از جرم (پیشگیری رشدمدار)*، چاپ دوم، تهران، سمت.
- نجفی‌توانا، علی. (۱۳۸۱). *جرم‌شناسی*، چاپ دوم، تهران، میزان.

۲. مقاله

- آشوری، محمد، عظیم‌زاده، شادی. (بهار ۱۳۹۲). *جایگاه پرونده شخصیت در فرایند پیشگیری از پایدار شدن بزهکاری جوانان*. فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دوره ۴۳.
- بختیاری، ابوالفضل. (آذر ۱۳۸۸). *با فرهنگ آموزش در ژاپن آشنا شویم*. ماهنامه پیوند.
- صفاری، علی. (۱۳۸۰). *مبانی نظری پیشگیری از وقوع جرم*. مجله تحقیقات حقوقی. شماره ۳۶-۳۵.
- محسنی، فرید. (۱۳۹۳). *دستاورد‌های نظری و عملی جرم‌شناسی رشدمدار*. مجله دیدگاه‌های حقوق قضایی. شماره ۶۶.

۳. سایر منابع

- نجفی ابرنآبادی، علی حسین. *تقریرات جرم‌شناسی (بازپروری بزهکاران)*، نگارش از سلمان عمرانی، دوره دکتری دانشگاه تربیت مدرس، نیمسال نخست سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶.

- نجفی ابرنآبادی، علی حسین. **تقریرات جرم‌شناسی (پیشگیری)**، نگارش از مهدی سیدزاده، دوره کارشناسی ارشد مجتمع آموزش عالی قم، نیمسال دوم تحصیلی ۸۲-۱۳۸۱.

غیر فارسی

۱. کتاب

- American Psychiatric Association. (2013). **DSM-5 fact sheets**, USA, Washington D.C.
- Andrews, D.A., and Bonta, James. (1994). *The psychology of criminal conduct*, UK, London, Routledge.
- Elder, Glen H. & Giele, Janet Z. (1998). **Methods of life course research**, UK, London, Sage.
- Hirschi, Travis. (1969). **Causes of delinquency**, USA, University of California.
- Knepper, Paul, & Kett, Martin. (2010). **International Handbook of Criminology**, New York, USA: Taylor & Francis.
- McLaughlin, Eugene, & Munice, John. (2001). **The sage dictionary of criminology**, UK: London, Sage.
- Moffit, Terrie E. (2006). **Life-course persistent and adolescence-limited anti-social behavior: A research review**, Dante Cicchetti and Donald Cohen (eds), *Developmental Psychopathology*, USA: New York, Wiley.
- Rutter, Michael, Barbara, Mortimore, Peter & Ouston, Janet. (1979). **Fifteen Thousand hours: Secondary schools and their effects on children**, Cambridge, MA, Harvard University Press.

۲. مقاله

- Aguilar-Carceles, Marta M. & Farrington, David P. (2017). **Attention deficit hyperactivity disorder, impulsivity, and low self-control: which is the most useful in understanding and preventing offending?**. *Crime Psychology Review*, Vol.3, Issue 1.
- Gaffin, K. Vinnerljung, B. Fridell M. Hesse, M. Hjern A. (2013). **Childhood socio-economic status, school failure and drug abuse: A swedish national cohort study**, *Addiction Journal*, Vol108, Issue8
- Kazemian, L., & Le Blanc, M. (2004). **Exploring patterns of perpetration of crime across the life course: Offense and offender-based viewpoints**, *Journal of Contemporary Criminal Justice*, 20(4).
- Laub, J.H., & Sampson, R.J. (1988). **Unraveling families and delinquency: A reanalysis of the Glueck's data**, *Criminology*, 26.